



دستنامه معلوماتی در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت

مقدمه:

صرف نظر از دیدگاه‌های مختلف تخصصی، شخصی که دارای معلولیت هست، بنا بر نقصی در اعضای بدن و یا نارسایی وظیفوی یک یا چند عضو بدنش یا سیستم دماغی و یا به سبب آسیب‌های روانی، توانمندی اجرای فعالیت‌های جسمی و یا دماغی وی محدود می‌گردد. که در نتیجه آنها حین برخورداری از حقوق و آزادی‌های شان با محدودیت‌ها مواجه می‌شوند.

ممکن است شخص دارای معلولیت محدودیت حرکتی، مشکل بینایی، مشکل شنوایی و یا حفظ تعادل در ایستادن و راه رفتن و یا مشکل درک و حافظه داشته باشد، ولی این به این معنا نیست که گویا اشخاص دارای معلولیت افراد بی استعداد و عاطل و باطل هستند. برعکس، تجربه نشان داده است که انسان‌هایی‌ای که بر اثر نارسایی یک عضو بدنش بخش از فعالیت‌های بدنی اش محدود می‌گردد، این کمبودش را با تقویت بخش دیگر از فعالیت جسمی و دماغی اش جبران می‌نماید. مثلاً آنانی که نارسایی بینایی دارند قوه درک شان را از طریق لامسه و سامعه خیلی بالایی می‌برند.

تعریف معلولیت از دیدگاه‌های مختلف

نهادهای مختلف در مورد کلمه "معلولیت" نگاه‌های متفاوت دارند. در گذشته‌ها "معلولیت" را صرف از نگاه نحوه فعالیت بدنی می‌دیدند و هرکسی را که یک یا چند عضو بدنش نارسایی می‌داشت، وی را شخص "معلول" و حتی "معیوب" می‌دانستند ولی با توسعه فکر و اندیشه بشر در ساحه حقوق و آزادی‌های اساسی بشری و پیشرفت در سایر عرصه‌های علوم تجربی و اجتماعی، نگاه‌های دست‌اندرکاران عرصه معلولیت نیز متفاوت‌تر از نگاه‌های گذشته‌هاست. در عصر کنونی دیدگاه‌ها در مورد معلولیت از دید معلول بودن یک انسان به دیدگاه‌های محق بودن یا برخوردار بودن آن از حقوق و آزادی‌های انسانی، همسان با دیگران، متحول گردیده است. از همین رو "معلولیت" را از دیدگاه طبی، اجتماعی و حقوق بشری تعریف‌های مختلف می‌نمایند. امروز کلمه "معیوب"، که پیش از این به یک شخص دارای معلولیت طبیعی اطلاق می‌گردید، از ادبیات رسمی برانداخته شده زیرا معلول بودن "عیب" نیست. مگر با تأسف کلمه "معیوب" در قانون اساسی کشور ما استعمال گردیده است و در بعضی از اسناد رسمی دولتی هنوز هم استعمال می‌گردد.

1. تعریف طبی معلولیت

تعریف نوع طبی، بر نارسایی‌های بیولوژیکی، فیزیکی، شعوری-دماغی و ابتلا به امراض تأکید دارد. توجه این تعریف بر نارسایی‌ها و محدودیت‌ها در انجام وظایف بدنی متمرکز هست. سازمان صحتی جهان در سال 1976 تعریف معلولیت را به سه نوع دیگر دسته‌بندی نمود. که عبارت‌اند از: "تارسایی (Impairment)"، "معلولیت (Disability)" و "متضرر ناشی از معلولیت (Handicap)". بعداً "Impairment" را هرگونه نقیصه و نارسایی فزیولوژیکی، روانی، آناتومی ویا در انجام وظیفه بدنی تعریف می‌نماید. "Disability" را هر گونه محدودیت یا ناتوانی ناشی از نارسایی‌های

فزیولوژیکی و روانی، و "Handicap" را زیان یا ضرر که یک فرد بر اثر نارسایی و معلولیت متقبل می شود، تعریف می نماید. به هر گونه ای که معلولیت از نگاه طبابت تعریف گردد بازهم روی محور نارسایی بدنی، فزیولوژیکی و روانی انسان می چرخد. منظور از تعریف طبی معلولیت این است که اطبا باید متوجه نارسایی و نقیصه بدنی، فزیولوژیکی و روانی یک شخص دارای معلولیت شده و بتوانند با معالجه طبی انسان را صحتمند سازد تا او مانند اشخاص غیر معلول در جامعه تبارز نموده و از حقوق و آزادی های بشری خویش برخوردار گردد.

مشکلی که این گونه تعریف طبی از "معلولیت" دارد، این است که شخص دارای معلولیت تا احیای اعضای بدنش، از نگاه طبی، از مکلفیت ها و مسؤولیت ها مبرا دانسته شده و بنابراین بهانه ای برای محروم نگهداشتن وی از حقوق و آزادی های اساسی میسر می گردد. همچنان از نگاه حقوق بشری، به فراهم سازی محیط اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی مناسبی که اشخاصی دارای معلولیت بتوانند مکلفیت های اجتماعی شان را ادا نمایند، توجه صورت نمی گیرد. لذا، در این تعریف خود "شخص" محور قرار می گیرد و نه رابطه شخص با محیط.

2. تعریف اجتماعی معلولیت

بعد ها بر اثر دادخواهی مبارزان حقوق بشری، تعریف نوع طبی معلولیت با تدوین قواعد معیاری تساوی امکانات برای افراد دارای معلولیت (UN Standard Rule for the Equalization of the People with Disabilities, 1993)، که به تصویب ملل متحد رسید، تغییر یافت. حالا توجه بیشتر به زمینه های اجتماعی، که معلولیت را به بار می آورد، صورت می گیرد و بین کلمه "معلولیت" و "ضرر ناشی از معلولیت" تفاوت می گذارند. به این معنی که "معلولیت" عبارت از نارسایی فیزیولوژیکی، فیزیکی (اعضای بدن) و دماغی و روانی است؛ در حالی که "Handicap" یا آسیب های ناشی از معلولیت، عبارت است از دست دادن یا محدود شدن زمینه اشتراک همه جانبه شخص دارای معلولیت در امور اجتماعی است.

بنابراین چنین برداشت می‌گردد که متأسفانه محیط و جامعه، با نادیده گرفتن ضرورت‌ها و مشکلات فردی اشخاص دارای معلولیت، در ناتوان ساختن شان، نقش دارد. به این گونه "معلولیت" را می‌توان چنین تعریف نمود:

"معلولیت عبارت است از حالت مواجه شدن با فرایند تقابل یک فرد دارای نارسایی جسمی، فزیولوژیکی و روانی یا مریضی با محیط و برداشت‌های محدود کننده."

چیزی که بسیار مهم هست این است که نارسایی جسمی و روانی نباید به ناتوانی یک شخص منتج گردد. در این جا "معلولیت یا ناتوانی" چیزی فراتر از نارسایی جسمی و روانی است. تعریف نوع اجتماعی "معلولیت"، تبعیض اجتماعی را یک عامل عمده معلولیت می‌داند. مطابق دیدگاه‌های اجتماعی، مردم متفاوت از همدیگر پنداشته نمی‌شوند، بلکه از نگاه ضرورت‌ها از هم متفاوت‌اند و معلولیت یک موضوع طبی پنداشته نمی‌شود بلکه به مثابه یک جریان یا روند توأم با نوسانات هست. و به سخن دیگر، برداشت مردم از کلمه "معلولیت" به سطح آگاهی و دانش و باورهای اجتماعی و فرهنگی آنها تعلق می‌گیرد و هم اینکه مردم چگونه با اشخاص دارای معلولیت برخورد می‌کنند.

از تعریف‌های یادشده چنین بر می‌آید که "معلولیت" یک تعداد عناصر فردی است که یک شخص حین مواجه شدن با جامعه و محیط، دچار محدودیت‌ها شده و ظرفیت‌هایش برای اجرای یک وظیفه پایین می‌آید؛ که همین محدودیت‌ها و نارسایی‌ها باعث می‌گردد که اشخاص دارای معلولیت از حقوق و آزادی‌های اساسی خویش محروم گردد.

محیط یک پدیده ثابت نیست، بلکه باید مطابق ضرورت افراد، با در نظر داشت وضعیت جسمی و روانی شان، عیار و مساعد ساخته شود تا در امور اجتماعی سهم گرفته بتوانند. بنابراین امروز تعریف اجتماعی "معلولیت" مستقیماً با تعریف معلولیت از دیدگاه حقوق بشر رابطه دارد که بر سهمگیری کامل و استفاده از امکانات

برابر با دیگران و هم مطابق قابلیت استفاده توسط اشخاص دارای معلولیت تأکید دارد.

3. تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشر

در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت چنین آمده است: "اشخاص دارای معلولیت، صرف نظر از محدودیت های جسمی و روانی و منشا معلولیت آنها، عین حقوق اساسی را دارند که دیگر شهروندان هم سن و سال شان دارند تا در حد ممکن از زندگی خوب و معمول مستفید شوند."

سرانجام تلاش ها برای تعریف "معلولیت" از نگاه دسترسی به مسایل اجتماعی و محیط سازگار، منتج به تعریف "معلولیت" از دیدگاه حقوق بشری شد. عناصر محدود کننده دسترسی اشخاصی دارای معلولیت به امکانات اجتماعی و محیط، سازگار با موضوع حقوق بشر بوده است که در واقع بر محروم شدن اشخاص دارای معلولیت از شمولیت کامل و یکسان شان با دیگران در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بحث می کند و این خود نوعی "تبعیض" در مقابل افراد دارای معلولیت پنداشته می شود. بر اساس همین تعریف حقوق بشری از "معلولیت" است که دولت ها مکلف می گردند تا قوانین ملی شانرا طوری تصویب نمایند تا زمینه شمولیت کامل اشخاص دارای معلولیت را همسان با دیگران در تمام شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تضمین نماید. هدف از تعریف "معلولیت" از نگاه حقوق بشری عبارت از زیستن و دسترسی به امکانات یک جامعه اشتراکی بر اساس احترام به کرامت و تساوی تمام انسان ها، صرف نظر از تفاوت های طبیعی شان، است.

در رابطه با اطفال دارای معلولیت، تعریف "معلولیت" از نگاه حقوق بشر چنین تأکید می دارد که نباید به اطفال دارای معلولیت چنین نگاه شود که آنها ضرورت به کمک ها و مراقبت های خاص دارند، بلکه در عوض، باید برخورد با آنها بر اساس اصل عدم تبعیض و حق مساوی هر کس به احترام و حفظ کرامت و هویتش در جامعه، باشد.

4. تعریف "معلولیت" در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت

" اشخاص دارای معلولیت شامل آنهایی می شوند که دارای ناتوانایی های فیزیکی، روانی، فکری یا حسی درازمدت بوده و در مواجهه با موانع مختلف، از مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه جلوگیری می گردد."

5. تعریف "معلولیت" در مسوده قانون امتیازات اشخاص دارای معلولیت جمهوری اسلامی افغانستان

اصطلاح " شخص دارای معلولیت" به فردی گفته می شود که به تشخیص کمیسیون طبی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد، طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی گردد."

معلوماتی در مورد نفوس اشخاصی دارای معلولیت

اشخاصی دارای معلولیت 10 درصد از کل نفوس جهان را تشکیل می دهد که این رقم بزرگترین اقلیت جهان را تشکیل داده و به طور غیر مستقیم، معلولیت یک سوم جمعیت جهان را متأثر نموده است. 80 درصد از اشخاص دارای معلولیت در کشور های جهان سوم یا در حال توسعه زندگی می کنند. 380 میلیون تن از اشخاص واجد سن کار به نحوی از انحا، دارای معلولیت می باشند و از این تعداد 80 درصد شان بی کارند. 90 درصد از اطفال دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه به مکتب رفته نمی توانند و بخصوص زنان دارای معلولیت بیشترین آسیب پذیری را دارا می باشند. اما در افغانستان نظر به آخرین بررسی (سروری)¹ که در سال 2005 صورت گرفته است، 2.7 درصد از کل نفوس کشور را اشخاص دارای معلولیت تشکیل می دهد و به طور اوسط از هر پنج فامیل یک نفر از اعضای شان دارای معلولیت می

¹ National Disability Survey in Afghanistan (NDSA) by Handicap International

باشد که 59 درصد از آنان را مردان و 41 درصد را زنان تشکیل می دهند. 69.7 درصد از آنان در مناطق روستایی و 30.3 درصد در شهرها به سر می برند، که بیشتر از 70 درصد از آنان به مکاتب دسترسی ندارند.

حقایق در مورد اطفال دارای معلولیت:

- در حال حاضر حدود 150 میلیون طفل دارای معلولیت در سراسر جهان وجود دارد،
- اطفال دارای معلولیت اکثراً در حالت فقر قرار دارند،
- اطفال دارای معلولیت چهار برابر دیگر اطفال مورد سوء استفاده های مختلف قرار گرفته، توهین و تحقیر می شوند،
- به زندگی اطفال دارای معلولیت مانند زندگی سایر اطفال اهمیت داده نمی شود. متأسفانه مواردی در جهان ثبت شده در حالاتی که اطفال دارای سوءتشکل به دنیا می آیند، داکتران بنا بر تقاضایی والدین شان به حیات آن ها خاتمه می دهند و متأسفانه این عمل شان قتل ترحمی پنداشته شده و به جزای خفیف تر محکوم می شوند،
- آمارها نشان می دهد که 90 درصد از اطفال دارای معلولیت پیشتر از سن 20 سالگی می میرند،
- صرف 2 درصد از اطفال دارای معلولیت در کشورهای رو به توسعه دسترسی به آموزش و پرورش دارند،
- اعمال تبعیض در برابر اطفال دارای معلولیت در زمینه های درمان حیاتی یا نجات دهنده حیات (Life saving)، در مراکز مراقبت های صحتی اطفال و مراکز آموزشی اطفال، به شکل گسترده وجود دارد،
- دسترسی به شمولیت اطفال دارای معلولیت در پروسه عدلی و قضایی نادیده گرفته می شود زیرا آنها را به عنوان شاهدان با اعتبار نمی پندارند،
- مردم به اطفال دارای معلولیت در داخل منزل و در بیرون از منزل، در کوچه و بازار، مکتب و پارک ها و سایر تفریحگاه ها، سالون های نمایش هنری و صنعتی و

تیا تر، در استفاده از بس های شهری و در محلات دریافت کمک های اظطراری، کمک نموده و حق اول را به آن ها نمی دهند، بلکه با الفاظ کریه و خلاف آداب معاشرت خطاب شده و توهین و تحقیر می گردند،

• اطفال دارای معلولیت در خانه و بیرون از خانه به عنوان انسان های سرباری و مزاحم خانواده و جامعه پنداشته می شوند،

• اطفال دارای معلولیت، مانند سایر اطفال، از امکانات آموزشی، امکانات تفریحی و فرهنگی و سایر امکانات اجتماعی به طور کامل نمی توانند مستفید شوند،

• امکانات مناسب برای رشد بدنی، و رشد استعداد های یادگیری اطفال دارای معلولیت، در نظام آموزش در مکاتب و کودکستان ها در نظر گرفته نشده است،

• یک تعداد از اطفال دارای معلولیت واقعاً برای والدین شان دست و پاگیر هستند و جریان زندگی شان را بیش از حد مختل می سازند و در عین حال آن والدین حاضر اند تا مرجعی آنها را به صورت دائمی نگهداری و آنها را تحت مراقبت قرار دهند. در این زمینه نه دولت و نه هیچ مرجع دیگری - البته در افغانستان - ایجاد چنین آسایشگاه هایی را در نظر نگرفته اند.

زنان دارای معلولیت

• زنان دارای معلولیت بیشتر از زنان غیر معلول از محدودیت ها و آسیب های ناشی از نارسایی اعضای بدن و همچنان محدودیت های اجتماعی رنج می برند. اکثر آن ها، بی سوادند یا بر اثر معلولیت از ادامه تحصیل بازمانده و از کار در بیرون از منزل محروم می شوند. زنان دارای معلولیت در محیط خانه و اجتماع مورد تحقیر قرار گرفته و در حاشیه قرار می گیرند. این زنان، با آنکه از نگاه شرعی و مدنی حق ازدواج و تشکیل خانواده را دارند، ولی بنا بر محدودیت های اجتماعی و بینش های

کلیشه‌یی - خرافاتی از حق تشکیل خانواده محروم می‌شوند. و غم‌انگیز تر اینکه، چنین زنانی در بعضی موارد مورد سوءاستفاده‌های جنسی هم قرار می‌گیرند.

انواع معلولیت و اسباب آن

این یک واقعیت است که بعضی از اطفال به صورت ناقص الاعضا به دنیا می‌آیند. این اطفال یا اعضای بدن شان ناکامل هستند و یا دماغ به صورت کامل تشکل نشده است. و دکتوران در مورد چنین نوزادانی اصطلاح "نوزادان دارای سوء تشکل" را به کار می‌برند. دلایل آن را می‌توان چنین بررسی کرد:

اثرات سوء وراثتی "ژنتیکی" و ازدواج‌های نامطلوب

- شاید مادر طفل در سن پایین تر از هژده سالگی ازدواج کرده باشد مثلاً در سیزده یا چهارده سالگی. هر خانمی که در سن کمتر از هژده سالگی ازدواج نماید احتمال دارد که طفل او معلول به دنیا آید. تجربه نشان داده است که نوزادانی که قبل از وقت معین به دنیا می‌آیند یا معلولیت دارند و یا طی سال‌های اول طفولیت معلولیت شان آشکار می‌شود. این معلولیت‌ها به شکل نارسایی بینایی، شنوایی، سوء شکل در لب‌ها، پاها یا دست و انگشتان دست و همچنان نارسایی سیستم عصبی تبارز می‌نمایند.

- از نگاه تجربه علم وراثت، هرگاه شخصی با اقارب خیلی نزدیک خود (مثل دختران و پسران کاکا و ماما) ازدواج نماید، احتمال تولد طفل معلول زیاد است ولی عالم و مدبر واقعی، پروردگار عالم است. بعضی از اطفال دارای موهای سفید، جلد و چشم‌های حساس و آسیب‌پذیر به نور آفتاب هستند که به آن‌ها اصطلاح "خذری" (Albino) می‌گویند. بعضی از اطفال، در حالی که والدین شان به ظاهر سالم هستند، ولی دارای سرهای بزرگ شیرمانند بوده یا از زبان گنگ هستند. این نوع معلولیت‌ها هم بر اثر تعاملات ژنتیکی بار می‌آیند.

- باید بدانیم که بر اثر پیشرفت در عرصه طب، تعداد زیادی از نوزادان دارای سوءتشکل قابل درمان و احیای جسمانی هستند و والدین باید در صورت داشتن نوزادان دارای سوءتشکل، به مؤسسات تخصصی طبی مراجعه نمایند.

تغذیه و معلولیت

- عدم مصرف مواد غذایی کافی و مغذی می تواند در هر سن و سال روی بدن انسان تأثیر منفی بگذارد و معلولیت را به بار آورد. چنانچه کمبود ویتامین "آ" باعث نابینایی؛ کمبود ویتامین هایی از خانواده (ب) باعث مرض اعصاب به نام "بری بری"؛ کمبود کلسیم، فاسفورس، ویتامین (دی)، مکنیشیم و ویتامین (سی) باعث عدم رشد دندان ها، ضعف استخوان و نرمی استخوان؛ کمبود آهن باعث کمخونی؛ و همینطور کمبود انواع منرال ها و ویتامین ها، که اگر کمبودی آن ها جبران نگردد، سر انجام معلولیت ها را به بار می آورد. خوشبختانه تمام این مواد غذایی به صورت طبیعی و قابل استفاده برای بدن، در انواع حبوبات، غلات، میوه ها، سبزیجات و مواد لبنی و گوشت، موجود است. بنابراین نباید از هیچ نوع غذا پرهیز کرد و هر نوع غذا را به اندازه مناسب آن و به طور متوازن مصرف کرد.
- هرگاه مادر حامله در دوران حاملگی خود غذای قوی و کافی نخورد، احتمال دارد، که طفل او معلول و یا خیلی کم وزن به دنیا آید و یا اگر طفل او در کودکی با غذای کافی و مقوی تغذیه نگردد، امکان دارد که در آینده بعضی از اعضای بدن از جمله دماغ وی دچار نارسایی شده و سرانجام معلول شود.
- هرگاه انسان ها برنامه غذایی مناسب یا حرکات بدنی کافی نداشته باشند و ورزش ننمایند، در سنین بالاتر دچار مریضی های دایمی می شوند که در صورت عدم جلوگیری از پیشرفت مریضی و عدم تداوی ممکن است که معلول شوند. چنانچه هرگاه، مقدار شکر در خون از میزان لازم آن بالا رود، انسان بینایی خویش را از دست می دهد و یا سیستم عصبی، گرده ها و سایر اعضای بدن شان آسیب می بیند. و یا مثلاً اگر مقدار چربی در خون زیاد گردد امکان سکته قلبی بالا می رود یا حداقل بالای سیستم اوعیه و سیستم عصبی حمله نموده و انسان را کلاً یا قسماً فلج دایمی می

سازد. پس چه بهتر که غذای کامل، منظم و مناسب مصرف کنیم، کار جسمی داشته باشیم یا به طور منظم ورزش نماییم و مراقب وضعیت روانی خویش باشیم و خود را خسته نسازیم.

- استعمال بیش از حد مخدرات و مسکرات، معلولیت را به بار می آورد. عامل اساسی امراض قلبی و امراض عصبی و سرطان ها، استعمال بیش از حد دخانیات و الکل است. و وقتی تأثیر منفی بیشتر بالای اعضا دارند که انسان به صورت جسمی ضعیف شود و یا بر اثر مبتلا شدن به مریضی های دیگر مثل ملاریا، محرّفه، زردی، سل و ایدز مقاومت بدنی شانرا از دست بدهند.
- مادرانی که معتاد به تریاک و نسوار و سگرت هستند و یا الکل می نوشند، احتمال معلول شدن طفل شان بیشتر است.

جنگ و معلولیت

- جنگ هم برای افراد نظامی هم برای افراد ملکی که در جنگ شریک نیستند، خطر از دست دادن حیات یا معلولیت را دارد. انسان ها در جریان جنگ ها بر اثر مرمی تفنگ، توپ، بمب ها و ماین ها یا آتش سوزی های بمب و مرمی های توپ، اعضای بدن شان را از دست می دهند و به طور دائمی معلول می شوند. درصد بیشتری از اشخاص دارای معلولیت را در کشور های آشوب زده و جنگ زده، معلولان جنگی که افراد نظامی و غیر نظامی هستند تشکیل می دهند.

آیا غم و غصه دوامدار معلولیت به بار می آورد؟

بلی! غم و غصه زیاد و دوامدار باعث افسردگی شده و اگر علاج روانی و دارویی نشوند، بالاخره شخص مذکور حالت گوشه گیری از اجتماع را به خود گرفته، بالاخره، به اصطلاح دیوانه می شوند که به چنین اشخاصی "افراد دارای معلولیت روانی" می گویند. اگر شخصی افسرده در ابتدای بیماری علاج نگردد؛ بعد ها علاج آن خیلی مشکل است. این وظیفه هر فرد است که به شخص افسرده مهربانی نموده کوشش نماید که او غم ها و تشویش های خود را فراموش نماید و او را به آینده امیدوار سازد.

حوادث ترافیکی و معلولیت

- سالانه تعداد زیادی از مردم در تمام کشورها بر اثر تصادم یا چپه شدن موتر اعضای بدن شان را از دست داده و معلول می شوند.
- چرا تصادم موتر واقع می شود؟ زیرا یا راننده های موتر و موترسایکل بی احتیاطی می کنند و قانون ترافیکی را مد نظر نمی گیرند یا خود مردم بی احتیاط اند و خود را به دم موتر و موترسایکل می اندازند. هر گاه سرک های موتررو مطابق الگوهای استاندارد سرک سازی ساخته نشده باشند یا اداره ترافیک علایم ترافیکی را خصوصاً در جاهایی که احتمال چپه شدن و تصادم عراده جات زیاد باشد نصب نکنند، احتمال زیاد موجود است که موترها با هم تصادم نمایند یا از سرک منحرف شده و چپه شوند که در هر دو صورت انسان ها اعضای بدن خود را از دست می دهند و به طور دائمی معلول می گردند.
- بستن کمربند توسط مسافرینی که با موترهای خورد سفر می نمایند، هنگام تصادم و چپه شدن موتر، آن ها را تا حد ممکن از مرگ و معلول شدن نجات می دهد.

تداوی خود سرانه و معلولیت

- تعدادی از مردم ما به طور خودسر، بدون مشوره داکتر، از دواخانه ها دوا خریده و مصرف می کنند. این عمل شان خیلی خطرناک است. خوردن دواهای مرض قلبی و فشار خون، اعصاب، رماتیسم، ملاریا و سایر دواها بدون مشوره داکتر ممکن است شما را معلول سازد.
- خانم های حامله حتی یک آسپرین را هم بدون مشوره داکتر نخورد؛ زیرا ممکن است طفل در رحم مادر بمیرد و یا معلول به دنیا آید یا خود مادر بمیرد. حتی خوردن دواهای گیاهی و یونانی هم بعضی از اوقات برای مادران حامله خطرناک است. بنابراین هرگاه مادران حامله می خواهند که از مرگ و معلول شدن خود و طفل خود جلوگیری نمایند، باید هر وقتی که مریض شد هر چه زودتر به نزدیک ترین مرکز صحتی مراجعه نمایند.

- گاهی دیده شده که داکتر اشتباه نموده و به مریض، دوی غلط را می دهد که بر اثر استعمال آن انسان ها به طور دایم معلول می گردند. از این رو داکترها باید در قسمت معاینه و تشخیص بیماری و تجویز دوی مناسب توجه جدی نمایند.
- چون اکثر مردم مابی سواد و یا کم سواد اند، داکترها و کارمندان دواخانه ها گاهی مریض یا شخص مراقبت کننده مریض را در مورد مقدار و طرز استفاده از دوا خوب توجه نمی توانند گاهی مریض مقدار نا مناسب دوا را مصرف نموده در نتیجه معلول می گردد. هر وقتی که داکتر به شما در مورد استفاده از دوا توصیه می نماید، شما نیز باید مطمئن شوید که چه مقدر دوا را و به کدام وقت ها بخورید.

اثرات تشعشعات و مواد کیمیاوی

- پخش شدن مواد رادیو اکتیف بر اثر استعمال بمب های اتمی و کارخانه های تولید کننده و استعمال کننده مواد رادیو اکتیف با عث معلولیت های مختلف می گردد. مواجه شدن با مواد رادیو اکتیف نه تنها بالای انسان تأثیر منفی دارد بلکه حیوانات، نباتات و حشرات را نیز متأثر می سازد. بر اثر بر خورد با مواد رادیو اکتیف، اعضای بدن رشد غیر معمول می نماید و یا سیستم بیوشیمی بدن متضرر می گردد.
- کسانی که به طور دایم مواجه به اشعه ایکس و سایر تشعشعات اند با خطر معلول شدن مواجه می شوند. از همین رو کارکنان دستگاه هایی که با تشعشعات کار می کنند مجبور اند از لباس های ایمنی مخصوص استفاده نمایند.
- آلودگی آب، خاک و هوا بیشتر از هنجارهای قبول شده باعث ایجاد بیماری های صعب العلاج و دایمی می گردد که به نوبه خود معلولیت ها را به بار می آورد. آلودگی هوا از گاز های هایدروکاربن که بر اثر سوخت مواد سوختی فسیلی (مواد نفتی) تولید می گردد و همچنان استعمال مواد کیمیاوی در مزارع زراعتی، جنگل ها علفچرها و مرداب ها نیز بر بدن انسان، حیوان نبات و حشرات تأثیر سوء دارد و در نهایت می تواند معلولیت ها را به بار آورد.

- بر اثر استعمال بیش از حد گازهای طبیعی در صنایع اسپری (Aerosol) سازی و یخچال ها و ایرکاندیشن ها، حفره ای در لایه اوزون ایجاد شده است که باعث رسیدن شعاع ماورای بنفش به سطح زمین می گردد و این شعاع فوق العاده مضر بر سلامتی انسان هاست.
- بر اثر عدم پاکسازی محیط زیست از آبروهای آلوده و کثیف و انتشار زباله های بیت الخلاها در هوای آزاد، امراض خطرناکی چون وبا شیوع پیدا می نماید که هرگاه انسان های مبتلا شده به آن تداوی نگردد خطر مرگ و معلول شدن زیاد می باشد.
- مواجه شدن با مواد کیمیاوی، که در کارخانه های صنعتی استعمال می گردد، نیز آسیب های بدنی را به بار می آورد که ممکن است در درازمدت معلولیت را به بار آورد. کسانی که با تیزابها، مواد سربی و غیره سروکار دارند، حیات آنها در معرض خطر است، خصوصاً اگر روش ها و معیارهای ایمنی حین کار رعایت نگردد.

زمینه های حقوقی ووظیفه های قانونی در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت

1. اعلامیه جهانی حقوق بشر

روحیه عمومی و اصول کلی که در مسوده اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های (عهدنامه) منبعث از آن به کار گرفته شده است، بر اصل احترام به کرامت انسانی، عدم اعمال تبعیض بین تمام انسان ها و تأمین حق و عدالت برای همه تأکید دارد. از کلمات "هرکس"، "هر شخص"، "تمام افراد بشر"، "همه"، "هر زن و مرد"، "هر کودکی"، "هر انسانی"، "کلیه اشخاص" و کلماتی این چنین که در موارد مختلف در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های حقوق بشری استعمال گردیده است، می توان چنین استنباط نمود. در ماده 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین می خوانیم:

"هرکس حق دارد که سطح زندگی و سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت های صحی/طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و

همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش وی از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

پاراگراف 1 ماده دوم کنوانسیون حقوق کودک، حقوق کودکان دارای معلولیت را چنین در نظر می گیرد:

"دول طرف این کنوانسیون، حقوق مطرح شده در این کنوانسیون را در قلمرو حکومت شان برای هر طفلی بدون هیچ نوع تبعیض، صرف نظر از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیر آن، وابستگی ملی، خاستگاه اجتماعی و قومی، ملکیت، معلولیت، تولد و دیگر حالات خود طفل، والدینش یا اولیای وی، تأمین نمایند و به آن احترام بگذارند."

و ماده 23 کنوانسیون حقوق کودک مشخصاً در مورد حقوق کودکان دارای معلولیت چنین بیان می دارد:

1. دول طرف کنوانسیون، اذعان می دارند، طفلی که ذهنی یا جسمی معلول می باشد، می باید از شرایط محیطی برخوردار باشد که منزلت طفل را تأمین نموده، اتکای به خود را گسترش داده و اشتراک فعال او را در جامعه تسهیل نماید، تا زندگی آبرومندانه و کامل داشته باشد.

2. دول عضو کنوانسیون، اذعان دارند که طفل دارای معلولیت مستحق مراقبت های خاصی می باشد و در صورتی که کمک های مراقبتی مهیا باشد، باید مناسب با شرایط و حالت طفل و حالت کسانی که از او مراقبت به عمل می آورند بوده و به آنها رسانده شود.

3. با تشخیص نیاز مخصوص یک طفل دارای معلولیت، کمک تحویل شده مطابق پاراگراف 2 همین ماده باید به طور رایگان و در جایی که ممکن است بادر نظر داشت منابع مالی والدین و دیگر افراد مراقبت کننده طفل صورت گیرد، و باید قسمی تنظیم گردد که دسترسی طفل دارای معلولیت و استفاده وی را از امکانات تحصیل،

کار آموزشی، خدمات صحی، خدمات باز پروری، آمادگی برای استخدام شدن و فرستهای تفریحی به طریقی تأمین گردد که زمینه ساز تحقق کاملترین شکل تلفیق (پیوستن) اجتماعی و رشد فکری به شمول رشد فرهنگی و روحی وی بشود.

4. دول طرف کنوانسیون باید مطابق به روحیه همکاری های بین المللی، مبادله معلومات لازم را در زمینه مراقبت های وقایوی (پیشگیرانه)، طب عمومی، طب روانی (روانپزشکی) و به کارگیری اطفال دارای معلولیت به شمول پخش و دسترسی به معلومات مربوط به روش های بازپروری، تحصیلات و خدمات حرفه ای به قصد بالا بردن قابلیتها و مهارت های دولت های دوطرف کنوانسیون و توسعه تجارب شان در این عرصه، گسترش بدهند. در این زمینه توجه خاصی به نیازمندی های کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود.

2. قواعد هنجاری (نورماتیف) تساوی امکانات برای اشخاص دارای معلولیت

مجموعه این قواعد دارای 22 قاعده هنجاری است که در سال 1993 از طرف ملل متحد آماده شده است. هدف از این قواعد عبارت است از:

- کمک به دولت ها جهت طرح سیاست های ملی در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت و تطبیق حقوق اقتصادی و اجتماعی در رابطه به معلولیت،
- به کار گیری مفاد کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زمینه معلولیت،
- مقابله با آن عناصر اجتماعی که منتج به اعمال تبعیض و نادیده گرفتن اشخاص دارای معلولیت می گردد و همچنین بهبود بخشیدن به امکاناتی که اشخاص دارای معلولیت بتوانند در امور جامعه سهم گیرند.
- توجه نمودن دولت ها به اموری که باعث کنار زدن بعضی از مردم از اجرای فعالیت های شان می گردد،
- تصدیق نمودن دولت برای فراهم سازی امکانات مساوی آموزشی برای شاگردان دارای معلولیت، نوجوانان و کاهلان دوره ابتدایی، ثانوی و عالی آموزشی،

- تأمین شمولیت فراهم سازی امکانات آموزشی برای افراد دارای معلولیت در نظام آموزش عمومی ،
- تضمین اینکه اشخاص دارای معلولیت ، خصوصاً اطفال و نوجوانان ، از تمام امکانات خدمات طبی مانند سایر افراد برخوردار می شوند .

3. چارچوب قراردادی داکار (Dakar Framework-2000)

در چارچوب قرارداد داکار چنین بیان شده است که این چارچوب به ضرورت نظام آموزش همگانی (Inclusive education) احترام می گذارد تا اطفالی که از روند آموزش کنار زده شده اند دوباره به روند آموزش جذب شوند . به این منظور نظام آموزش باید همگانی و دارای امکانات باشد تا اطفال ، مثلاً آنهایی که دارای معلولیت هستند ، از حق آموزش برخوردار شوند .

4. مؤسسه بین المللی کار و کارگر

کنوانسیون شماره 159 (1983) در رابطه به احیای آموزش های حرفه ای و استخدام (اشخاص دارای معلولیت):

هدف از آن مطمئن شدن در مورد اقدامات ، جهت احیای حرفه های مناسب برای همه اقشار دارای معلولیت و به وجود آوردن زمینه های کاریابی در بازار کار برای آنان است . باید اصل فراهم نمودن فرصت و برخورد های مساویانه در برابر مردان و زنان کارمند دارای معلولیت رعایت شود . اقدامات خاص مثبت ، به هدف فراهم نمودن فرصت و برخورد های برابر مؤثر باید روی دست گرفته شود .

افغانستان معاهدات زیر را به امضا رسانیده است:

- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) مصوب 24 اپریل 1983 ،
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) مصوب 24 اپریل 1983 ،
- کنوانسیون حقوق طفل (CRC) مصوب 20 نوامبر 1989 ،

- پروتکل اختیاری حقوق طفل (درگیری اطفال در منازعات مسلحانه) مصوب 24 سپتمبر 2002،
- پروتکل اختیاری دوم حقوق طفل (فروش اطفال، سوء استفاده جنسی از اطفال و تصاویر برهنه جنسی) مصوب 19 اکتوبر 2002،
- کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان (CEDAW) مصوب 5 مارچ 2003،
- کنوانسیون علیه شکنجه (CAT) مصوب 26 جون 1987،
- کنوانسیون بین المللی در رابطه به رفع هر نوع تبعیض نژادی - مصوب 5 اگست 1983.

4. چارچوب کاری هزاره بیواکی (Biwaki Millennium Framework)

چشم انداز اصلی این چارچوب کاری عبارت است از ایجاد جامعه همه شمول، بدون محدودیت ها، و تأمین حقوق اساسی برای اشخاص دارای معلولیت، در منطقه آسیا پاسفیک. در این چارچوب هفت اولویت مورد توجه قرار گرفته است، که عبارت انداز:

- ایجاد و تقویت سازمان های خدماتی برای خود اشخاص دارای معلولیت،
- توجه به زنان دارای معلولیت،
- تشخیص معلولیت، اقدام و آموزش در اولین مرحله،
- یاددهی و استخدام اشخاص دارای معلولیت و استخدام خودی،
- دسترسی به محیط سازگار و حمل و نقل عامه توسط اشخاص دارای معلولیت،
- دسترسی به معلومات و ارتباطات از جمله تکنالوژی کمکی،
- از بین بردن فقر به وسیله ظرفیت پروری، تأمینات اجتماعی و برنامه های معیشتی پایدار.

5. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان

در قانون های اساسی مصوب سال های 1923 و 1963 به موضوع افراد دارای معلولیت و افراد آسیب پذیر تماس گرفته نشده است ولی در قانون های اساسی سال

های 1987 و 1990 افغانستان، در فصل سوم آن حقوق و وجایب اتباع را تسجیل نموده است که در ماده 57 هر دو قانون، در حالی که حق هر افغان را به خدمات صحی و امنیت تسجیل نموده، در ضمن بر کمک های دولت به کهنسالان، معلولان ناشی از کار و انجام خدمات نظامی و بازمانده های شهدا تأکید می نماید.

ماده 53 قانون اساسی مصوب 1383 در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت

چنین بیان می دارد:

"دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی (معلولین و معیوبین) و سهمگیری فعال آنها در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهنسالان، زنان بی سرپرست، (معیوبین و معلولین) و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد."

گرچه در سایر ماده های قانون اساسی فعلی، به صورت مشخص به حقوق اشخاص دارای معلولیت تماس گرفته نشده ولی از آنجایی که قانون اساسی افغانستان تبعیض را بین اتباع افغانستان ممنوع کرده است، هم اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند، از این رو اشخاص دارای معلولیت نیز، مطابق به حقوق اتباع تسجیل شده در قانون اساسی و همسان با سایر شهروندان، از همه حقوق و آزادی های اساسی بشری خویش برخوردار می شوند.

6. قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت جمهوری اسلامی افغانستان

این قانون بر مبنای ماده 53 قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان به منظور حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و تأمین خدمات طبی، مساعدت مالی و بازتوانی آنها جهت سهمگیری فعال آنها در جامعه وضع گردیده است.

بر اساس این قانون، شخص معلول به کسی اطلاق می گردد که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توام؛ اختلال مستمر قابل توجهی در سلامت و کارایی

عمومی وی ایجاد گردد، طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی وی گردد.

این قانون در رابطه به تبعیض چنین بیان می دارد:

ماده 12:

1. فرد دارای معلولیت حق سهمگیری مساوی را در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی داشته و از خلاقیت آنها حمایت به عمل می آید،
2. هرگونه تبعیض در سهمگیری فرد دارای معلولیت در عرصه های مندرج در فقره 1 این ماده ممنوع است،
3. زنان دارای معلولیت {دارای} حق مساوی مانند سایر افراد جامعه، در استفاده از حقوق و آزادی های اساسی می باشند.

ماده 3 همین قانون در مورد حقوق اطفال دارای معلولیت چنین صراحت دارد:

"طفل دارای معلولیت دارای حق مساوی در استفاده از حقوق و آزادی های اساسی مانند سایر اطفال بوده، حق ابراز نظر، علاقمندی و مشارکت در امور مربوط به اطفال در محور توجه قرار گرفته و تسهیلات لازم به منظور استفاده از این حق برای شان فراهم می گردد."

در مورد خشونت علیه اطفال دارای معلولیت چنین آمده است:

1. به منظور جلوگیری از همه اشکال بهره برداری، خشونت و بد رفتاری علیه طفل دارای معلولیت تدابیر لازم اتخاذ می گردد.
 2. هیچ کسی نمی تواند طفل را به علت داشتن معلولیت از عضویت خانواده محروم سازد. متخلف مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.
- در مورد آموزش اشخاص دارای معلولیت، بلند بردن سطح معلومات در مورد اشخاص دارای معلولیت، آموزش های حرفوی معلولیت، ارایه خدمات صحی برای

اشخاص دارای معلولیت، دسترسی به کار، اشتغال و تحصیلات عالی، قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت چنین تأکید می نماید:

ماده 16

1. به منظور بلند بردن سطح آگاهی مردم در مورد حقوق اشخاص دارای معلولیت، توسط ادارات ذی ربط تدابیر لازم اتخاذ می گردد،
2. رادیو تلویزیون های ملی و محلی، برنامه های اختصاصی را در هر هفته در رابطه با اشخاص دارای معلولیت تهیه و نشر می نماید،

ماده 17

به منظور رشد سطح دانش اشخاص دارای معلولیت، فرهنگ زبان اشاره افغانی انکشاف و خط بریل ترویج و توسعه می یابد،

ماده 18

زمینه آموزش فنی و حرفوی برای اشخاص دارای معلولیت با در نظر داشت استعداد و توانایی آن ها فراهم می گردد،

ماده 19

به منظور دسترسی افراد دارای معلولیت به هر نوع خدمات صحی، تداوی و باز توانی جسمی و دماغی آنها، تدابیر لازم اتخاذ می گردد.

ماده 20

حق کار برای اشخاص دارای معلولیت واجد شرایط، تضمین می گردد، وزارتخانه ها و سایر ادارات دولتی موظف اند تا حداقل 5% از کارمندان خویش را از بین اشخاص دارای معلولیت استخدام نماید و 60 در صد پست های تلفونچی ادارات دولتی به اشخاص نابینا و کم بینا و معلولان جسمی - حرکی حداقل 50 درصد از پست های تایپستی، پست و مراسلات تمام ادارات دولتی به معلولین جسمی-حرکی و ناشنوایان اختصاص دهند.

ماده 21

1. برای اشخاص دارای معلولیت، نظام تعلیم و تربیت فراگیر (همگانی) ایجاد و تعمیم یافته و به منظور دسترسی آنها به تعلیمات، تحصیلات عالی و تکنالوژی پیشرفته؛ تسهیلات اختصاصی و تکنیکی ویژه فراهم می‌گردد،
 2. برای دستیابی اشخاص دارای معلولیت به علوم و تکنالوژی پیشرفته، وزارت تحصیلات عالی مکلف است تحصیلات اختصاصی (علوم بازتوانی) را توسعه دهد،
 3. نهاد های تعلیمی و تحصیلی خصوصی مکلف اند، خدمات خویش را برای اشخاص دارای معلولیت 50٪ ارزانتر عرضه نمایند،
- در مسوده قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت، از ماده 22-31 آن، مکلفیت دولت در موارد مختلف معین شده است که عبارت است از: تأسیس مراکز بازتوانی در مرکز و ولایت ها، اولویت دادن توزیع نمرات و آپارتمان های رهائشی برای اشخاص دارای معلولیت، ثبت اشخاص دارای معلولیت حین سر شماری نفوس، مساعد ساختن زمینه بازاریابی امتعه تولیدی اشخاص دارای معلولیت توسط وزارت تجارت، اعطای وام های بانکی بدون بهره، معافیت از دوره خدمت اجباری عسکری، ارایه جواز رانندگی به اشخاص دارای معلولیت که توان رانندگی را داشته باشند، قبول حقوق تقاعد (بازنشستگی) مانند سایر مأمورین دولتی، همسان قراردادن معلولین مادرزاد با سایر اشخاص دارای معلولیت از نگاه برخورداری از حقوق و امتیازات مندرج در این قانون.

7. مفاد میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت²

این میثاق (کنوانسیون) به تاریخ 13 دسمبر 2006 توسط مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و به تاریخ 31 مارچ 2007 برای امضای دول عضو ملل متحد در مقرآن سازمان مفتوح گردید. و بعد از اینکه 20 دولت عضو ملل متحد آن را به تصویب رساند، به تاریخ 26 می 2008 رسماً نافذ گردید.

² این متن اصلی میثاق نیست بلکه محتوای مواد میثاق هست

مفاد این میثاق قرار ذیل است:

میثاق بر مبنای واقعیت های ذیل تسوید گردیده است:

- کرامت، ارزش ذاتی و حقوق برابر و سلب ناپذیر به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان (منشور ملل متحد)،
- بهره مندی از حقوق و آزادی های اساسی (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های حقوق بشر)،
- برخوردار بودن تبعیض اشخاص دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی های اساسی،
- میثاق های عمده حقوق بشر،
- اشخاص دارای معلولیت که با داشتن ناتوانی ها و موانع موجود از حقوق همسان بادیدگران برخوردار نیستند،
- رهنمودها و سیاست ها در برنامه عمل جهانی در مورد اشخاص دارای معلولیت و قواعد معیاری برابری فرصت ها برای آنها،
- لزوم تعمیم مسایل معلولیت به عنوان بخش لاینفک استراتژی توسعه پایدار،
- تبعیض علیه هر شخص به اساس معلولیت، نقض کرامت انسانی است،
- پذیرش واقعیت تنوع معلولیت،
- نیاز بهبود و حمایت از حقوق انسانی اشخاص دارای معلولیت،
- اشخاص دارای معلولیت در زمینه مشارکت و برخوردار بودن از حقوق بشر همسان بادیدگران مشکلات دارند،
- لزوم همکاری بین المللی برای بهبود وضعیت معیشتی اشخاص دارای معلولیت،
- اهمیت مشارکت اشخاص دارای معلولیت در توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فقرزدایی،

- سهمگیری فعال اشخاص دارای معلولیت در سیاست ها و برنامه های مخصوص به خودشان ،
- آسیب پذیر بودن در برابر اعمال تبعیضی گوناگون (نژادی، لسانی، نوع معلولیت...)،
- آسیب پذیری زنان و اطفال در مقابل انواع تبعیض و خشونت ها در خانواده و اجتماع ،
- داشتن حق خودمختاری و آزادی انتخاب ،
- لزوم در نظر داشت تساوی جنسیت در تمام عرصه های ترویج بهره مندی کامل اشخاص دارای معلولیت از حقوق بشر و آزادی های اساسی ،
- قرار داشتن اکثریت اشخاص دارای معلولیت در فقر ،
- اهمیت قابل دسترسی اشخاص دارای معلولیت از تمام امکانات (محیط سازگار، امکانات اقتصادی، فرهنگی، تعلیم، صحت، اطلاعات، سیر و سفر...)،
- درک مسوولیت هر فرد در رعایت حقوق و آزادی های اساسی بشر که در اسناد بین المللی حقوق بشر درج است ،
- حق ازدواج و تشکیل خانواده توسط اشخاص دارای معلولیت و حمایت و مساعدت لازم به ایشان ،
- اهمیت داشتن یک سند بین المللی که حقوق اشخاص دارای معلولیت را همسان با دیگران شناسایی نماید و هم دولت ها را ملزم به رعایت حقوق مندرج در سند مذکور و حمایت و بهبود آن قرار دهد .

هدف میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت

- بهبود، حمایت و تأمین بهره مندی کامل و برابر اشخاص دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی های اساسی و ترویج احترام به کرامت ذاتی .

اشخاص دارای معلولیت چه کسانی اند؟

- اشخاص دارای معلولیت آنهایی اند که ناتوانی های فیزیکی، روانی، فکری یا حسی دراز مدت دارند که در تعامل با موانع مختلف از مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه به صورت برابر با دیگران جلوگیری می نماید

اصول عمومی میثاق کدام هایند؟

- احترام به کرامت ذاتی، خودمختاری فردی به شمول آزادی انتخاب و استقلال اشخاص،
- عدم تبعیض،
- مشارکت و شمولیت مؤثر در جامعه،
- احترام به تفاوت ها و پذیرش اشخاص دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی،
- برابری فرصت ها،
- قابلیت دسترسی به امکانات،
- برابری میان زن و مرد،
- احترام به ظرفیت های رو به تکامل اشخاص دارای معلولیت و احترام به حق کودکان دارای معلولیت برای حفظ هویت شان،

مکلفیت های عمومی دولت های طرف میثاق

دولت ها به تأمین و بهبود تمام حقوق بشر و آزادی های اساسی برای اشخاص دارای معلولیت بدون هرگونه تبعیضی بر اساس معلولیت، طبق موارد ذیل متعهد اند:

- اتخاذ تدابیر تقنینی، اداری و سایر اقدامات به منظور اجرای حقوق مندرج در میثاق،
- لغو و اصلاح قوانین و اصول اداری که محتوای تبعیض در مقابل افراد دارای معلولیت داشته باشند،

- رعایت و بهبود حقوق اشخاص دارای معلولیت در تمام سیاست ها و برنامه ها ،
- خودداری از شرکت در عمل و رویه هایی که مغایر با مواد میثاق باشد ،
- اتخاذ کلیه تدابیر به منظور رفع تبعیض بر اساس معلولیت توسط فرد ، سازمان و
یا یک نهاد ،
- اجرای تحقیقات و تولید امتعه ، خدمات ، تجهیزات و تسهیلات مطابق طراحی
جهانی مناسب برای استفاده افراد دارای معلولیت ،
- تهیه معلومات در مورد استعمال ابزار و فن آوری های نو و دیگر اشکال خدمات
برای اشخاص دارای معلولیت ،
- تضمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به خدمات و مساعدت ها و آموزش
کارمندان که با آنها کار می نمایند ،
- اتخاذ تدابیر برای تحقق حقوق مندرج در میثاق حقوق اقتصادی ، اجتماعی و
فرهنگی در چوکات ظرفیت های داخلی و یا همکاری بین المللی ،
- مشورت با افراد دارای معلولیت از جمله کودکان ، زنان معلول و سازمان های
مربوط به اشخاص دارای معلولیت در رابطه به تطبیق مواد این میثاق در دیگر روند
های تصمیم گیری در باره مسایل اشخاص دارای معلولیت ،
- عدم تأثیر مواد این میثاق بالای حقوق و مواد مندرج در قوانین داخلی دولت ها و
قوانین بین المللی نافذی که حقوق بشر به صورت بهتر در آنها تسجیل شده باشد ،
- عدم تغییر یا به تعلیق در آوردن قوانین دولت ها که حقوق آزادی های اساسی
بشر را تسجیل نموده اند ، به بهانه اینکه میثاق حاضر آن را تا حدی کمتری تصدیق
نموده است .

محتوای سایر مواد میثاق

ماده 5- برابری و عدم تبعیض

1. تصدیق دولت ها به برابری در مقابل قانون و مستحق بودن در حمایت قانونی بدون تبعیض ،
2. تضمین منع تبعیض و حمایت قانونی در برابر تبعیض ،
3. برداشتن گام های مناسب برای تأمین سازگاری موجه³ به منظور بهبود برابری و محو تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت ،
4. محسوب نشدن تبعیض به آن عده تدابیر و امتیازات مشخص به منظور تسریع و تحقق عملی برابری حقوق اشخاص دارای معلولیت .

ماده 6- زنان دارای معلولیت

1. تصدیق اینکه زن و دختر دارای معلولیت در معرض تبعیض چندگانه قرار دارند و روی دست گرفتن اقدامات به منظور تأمین بهره مندی کامل و برابر آنها از همه حقوق بشر و آزادی های اساسی ،
2. اتخاذ تدابیر مناسب در جهت تأمین توسعه ، ترقی و توانمندسازی کامل زنان به منظور تضمین اعمال و برخورداری شان از حقوق بشر و آزادی های اساسی مندرج در این میثاق .

ماده 7- کودک دارای معلولیت

- برداشتن همه گام های لازم برای تأمین برخورداری کامل کودکان دارای معلولیت از تمام حقوق بشر و آزادی های اساسی همسان با دیگر کودکان ،

³. تأمین سازگاری مؤجه به این معنی هست که محیط ماحول، تعمیرات، تکنالوژی و خدمات اجتماعی و یا سایر زمینه ها طوری دیزاین و عیار گردد تا اشخاص دارای معلولیت نیز بتوانند از آن ها استفاده نمایند.

- اولیت دادن به منافع علیای کودک در همه اقدامات ،
- اطمینان دادن به حق ابراز نظر آزادانه توسط خود کودک و در همین راستا ، فراهم سازی مساعدت لازم برای کودکان دارای معلولیت .

ماده 8- آگاهی دهی

- افزایش سطح آگاهی جامعه و خانواده در مورد اشخاص دارای معلولیت و ترویج احترام به حقوق و کرامت اشخاص دارای معلولیت ،
- تدابیر فوری توسط دولت ها در موارد ذیل :
- مبارزه با تفکرات کلیشه ای ، تعصبات و بینش های زیان آور در مورد اشخاص دارای معلولیت در کلیه زمینه های زندگی از جمله بر اساس سن و جنسیت ،
- گسترش آگاهی در مورد توانایی ها و سهمگیری های اشخاص دارای معلولیت .

ماده 9- قابلیت دسترسی

اتخاذ تدابیر مناسب به منظور تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به صورت برابر با دیگران به محیط فیزیکی ، حمل و نقل ، اطلاعات و ارتباطات به شمول فن آوری ها و سیستم های اطلاعات و ارتباطات و سایر تأسیسات و خدمات عمومی هم در مناطق شهری و هم در ساحات روستایی :

(تعمیرات ، جاده ها ، حمل و نقل و دیگر تأسیسات در محیط باز و بسته به شمول مکاتب ، خانه ها ، تأسیسات طبی و محلات کار ، اطلاعات ، ارتباطات و دیگر خدمات به شمول خدمات الکترونیک و خدمات در حالات اضطراری)

ماده 10- حق زندگی

دولت های طرف این میثاق مجدداً تصدیق می کنند که همه انسان ها دارای حق ذاتی زندگی هستند و دولت های طرف میثاق ، کلیه گام های ضروری را برای تأمین بهره مندی مؤثر اشخاص دارای معلولیت از این حق همسان با دیگران ، بر می دارند .

ماده 11- حالات خطر و اضطرار

• بنا بر وظایف خویش و براساس قوانین بین المللی به شمول قوانین بین المللی بشردوستانه و قوانین بین المللی حقوق بشر، دولت های طرف این میثاق کلیه تدابیر لازم را برای تأمین حمایت و ایمنی اشخاص دارای معلولیت در حالات خطر از جمله در وضعیت های منازعه مسلحانه، اضطرار و وقوع آفات طبیعی اتخاذ می نماید.

ماده 12- شناسایی برابر در مقابل قانون

1. تصدیق مجدد حق شناسایی شدن به عنوان اشخاص مستحق در نزد قانون،
2. تصدیق اینکه اشخاص دارای معلولیت از ظرفیت قانونی همسان با دیگران در همه جوانب زندگی، بهره مند گردند،
3. اتخاذ تدابیر به منظور تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به حمایت مورد نیاز آنها برای اعمال ظرفیت قانونی شان،
4. تضمین برای جلوگیری از سوء رفتار بر اساسی قوانین بین المللی،
5. اقدامات جهت تأمین حق مالکیت، دسترسی به حق میراث، اداره امور مالی خود، وام های بانکی و عدم محروم شدن اشخاص دارای معلولیت از حق مالکیت شان.

ماده 13- دسترسی به عدالت

- تضمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به عدالت (مدعی، شاهد، تعقیب کننده دعوی حقوق شان در تمام مراحل قضایی)،
- انجام آموزش هایی برای دست اندرکاران اجرای عدالت از جمله پولیس و کارمندان زندان به منظور تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به عدالت،

ماده 14- آزادی و امنیت فردی

- تضمین دولت ها به اینکه اشخاص دارای معلولیت همسان با دیگران: الف. اشخاص دارای معلولیت از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار می گردند،

- ب. به صورت غیر قانونی و خودسرانه از آزادیهای فردی به بهانه معلولیتی که دارند محروم نمی گردند،
- اطمینان دادن به اینکه هرگاه اشخاص دارای معلولیت طبق قانون سلب آزادی شوند، همسان با دیگران با ایشان مطابق به اهداف میثاق و اصول سازگاری برخورد می گردد.

ماده 15- مصونیت از شکنجه، رفتار، مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

- هیچ فردی در معرض شکنجه، رفتار، مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نمی گیرد. به صورت مشخص، هیچ شخصی بدون رضایت آزادانه خود در معرض آزمایش طبیی یا علمی قرار نخواهد گرفت،
 - تدابیر مؤثر تقنینی، اداری، قضایی و دیگر اقدامات به منظور جلوگیری از تعمیم شکنجه و برخورد های غیرانسانی اتخاذ می گردد،
- (شکنجه عبارت است از وارد آوردن صدمه جسمی و روانی به یک شخص به منظور گرفتن اعتراف و وادار ساختن به بیان یک موضوع به جبر واکراه)

ماده 16- مصونیت از استعمار، خشونت و سوء رفتار

- اتخاذ اقدامات مناسب تقنینی، اداری، اجتماعی، آموزشی و سایر تدابیر را به منظور حمایت از اشخاص دارای معلولیت، چه در داخل خانه و چه در خارج از خانه، در مقابل کلیه اشکال استعمار، خشونت و سوء رفتار از جمله مبتنی بر جنبة جنسیتی،
- دولت های طرف میثاق حاضر، همچنین کلیه گام های مناسب را به منظور جلوگیری از هر نوع استعمار، خشونت و سوء استفاده از طریق تأمین مساعدت و حمایت مناسب با در نظر داشت جنسیت و سن برای اشخاص دارای معلولیت، خانواده ها و افراد مراقبت کننده آنها به شمول ارائه اطلاعات و آموزش ها درباره نحوه اجتناب، شناسایی و گزارش موارد استعمار، خشونت و سوء رفتار، برمی دارند،

- دولت های طرف این میثاق تضمین می نمایند که مسائلی چون سن، جنسیت و معلولیت در عرضه خدمات حمایتی مد نظر قرار داده شود،
- به منظور جلوگیری از وقوع کلیه اشکال استثمار، خشونت و سؤرفتار، دولت های طرف میثاق تضمین می نمایند تا تأثیر تمام امکانات و برنامه های مطروحه خدمت رسانی به اشخاص دارای معلولیت، توسط مراجع مستقل و به طور مستقل، مورد نظارت قرار می گیرد،
- دولت های طرف این میثاق، کلیه تدابیر مناسب را به منظور بهبود فیزیکی، شناختی احیای روانی، توان بخشی و آمیزش مجدد اجتماعی معلولانی که قربانی هر نوع استثمار، خشونت یا سؤرفتار بوده اند، از طریق ارائه خدمات حمایتی، اتخاذ می نمایند. چنین بهبود و آمیزشی در محیطی صورت می گیرد که صحت، رفاه، احترام خودی، کرامت و خودمختاری فرد را پرورش دهد و نیازهای جنسیتی و سنی مد نظر باشد،
- دولت های طرف این میثاق قوانین و سیاست های مؤثری را از جمله سیاست ها و قوانین مربوط به زنان و کودکان را روی دست گیرند تا اطمینان حاصل گردد که عاملان موارد استثمار، خشونت و سؤرفتار علیه اشخاص دارای معلولیت، تثبیت، تحقیق و محاکمه می شوند.

ماده 17- حمایت از تمامیت فردی

- اشخاص دارای معلولیت حق دارند تا کرامت جسمانی و روانی آنها، همسان با دیگران، مورد احترام قرار گیرد.

ماده 18 آزادی گشت و گذار و تابعیت

1. شناسایی و اطمینان دادن به حق اشخاص دارای معلولیت به آزادی گشت و گذار، آزادی محل اقامت و داشتن تابعیت همسان با دیگران:
الف. حق کسب و تغییر تابعیت و محروم نشدن از حق تابعیت،

ب. محروم نشدن از استفاده از اسناد موقت پناهندگی برای گشت و گذار تا طی مراحل کسب تابعیت،

پ. اشخاص دارای معلولیت آزاد هستند تا هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کنند،

ت. هیچ معلول بر اثر ممانعت های خودسرانه یا بر اساس معلولیت از حق ورود به کشور خود محروم نمی شوند،

2. نوزادان دارای معلولیت فوراً بعد از تولد ثبت نام می گردند و دارای حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و واحد ممکن حق دانستن والدین و برخورداری از مواظبت آنها می باشند.

• ماده 19- زندگی مستقل و شمولیت در جامعه

• دولت های طرف این میثاق حق برابر اشخاص دارای معلولیت به زندگی در جامعه و داشتن انتخاب های همسان با دیگران را تصدیق می کنند و تدابیر مؤثر و مناسبی را به منظور تسهیل بهره مندی کامل اشخاص دارای معلولیت از این حق و شمول و مشارکت کامل آنها در جامعه اتخاذ می نمایند که موارد ذیل را در بر می گیرد:

الف. اشخاص دارای معلولیت فرصت دارند تا محل اقامت خود و محل زندگی و افرادی را که با آنها زندگی می کنند، همسان با دیگران انتخاب کنند و مجبور به زندگی به ترتیب خاص نمی باشند،

ب. اشخاص دارای معلولیت به طیفی از خدمات حمایتی خانگی، اقامتی و اجتماعی به شمول مساعدت فردی لازم برای حمایت از زندگی و از جمله در جامعه و جلوگیری از انزوا یا تفکیک از جامعه دسترسی دارند،

پ. خدمات و امکانات اجتماعی که برای عامه مردم میسر است برای اشخاص دارای معلولیت نیز همسان با دیگران مهیا می شود تا به نیازهای آنها پاسخ دهد.

ماده 20- تحرک شخصی

دولت های طرف این میثاق اقدامات مؤثری را برای تأمین تحرک شخصی با حداکثر استقلال برای اشخاص دارای معلولیت روی دست می گیرند که شامل موارد ذیل می گردد:

- الف. تسهیل تحرک شخصی اشخاص دارای معلولیت به شیوه آسان، ارزان و به انتخاب خود آنها،
- ب. تسهیل دسترسی اشخاص دارای معلولیت به وسائل تحرک شخصی، ابزارها، فن آوری های کمکی و اشکال مساعدت مستقیم و وساطت گرایانه به شمول ارائه این خدمات، به قیمت ارزان،
- دادن آموزش هایی در مورد مهارت های تحرک برای اشخاص دارای معلولیت و کارمندانی که با آنها کار می کنند،
- ت. تشویق مؤسسات به تولید آن دسته از وسائل تحرک، ابزارها و فن آوری های کمکی که تمام جنبه های تحرک را برای اشخاص دارای معلولیت در نظر می گیرد.

ماده 21- آزادی بیان و عقیده و دسترسی به اطلاعات

دولت های طرف این میثاق کلیه تدابیر مناسب را به منظور تأمین این که اشخاص دارای معلولیت بتوانند حق آزادی بیان و عقیده از جمله آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و دیدگاه ها به صورت برابر با دیگران و از طریق کلیه انواع ارتباط مورد انتخاب دلخواه خود را همان طور که در ماده 2 میثاق حاضر تعریف شده، اعمال کنند، اتخاذ می نمایند که موارد ذیل را در بر می گیرد:

الف. ارائه اطلاعات عمومی به اشخاص دارای معلولیت در شکل های قابل دسترس و فن آوری های مناسب استفاده اشخاص دارای معلولیت های مختلف، به شیوه مناسب و به موقع و بدون مصارف اضافی باشد،

ب. پذیرش و تسهیل استفاده از زبان های اشاره ای، رسم الخط بریل، ارتباطات اضافی و جایگزین و دیگر وسائل، روش ها و شکل های ارتباط قابل دسترس مورد انتخاب اشخاص دارای معلولیت در تعاملات رسمی،

پ. درخواست از مؤسسات خصوصی که خدمات را برای عموم مردم از راه های مختلف به شمول اینترنت فراهم می کنند، و اطلاعات و خدمات را به شیوه های قابل دسترس و قابل استفاده برای اشخاص دارای معلولیت نیز فراهم سازند،

ت. تشویق رسانه های همگانی به شمول ارائه کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت، به منظور قابل دسترس ساختن خدمات برای خود اشخاص دارای معلولیت،

ث. شناسایی و ترویج استفاده از زبان های اشاره ای.

ماده 22- احترام به حریمیت

- هیچ فرد معلولی، قطع نظر از محل اقامت یا نحوه زندگی، مورد مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حریمیت، خانواده، خانه یا مراسلات، دیگر انواع ارتباط او و حملات غیرقانونی به عزت یا شهرت او، قرار نمی گیرد. افراد دارای معلولیت حق دارند تا از حمایت قانون علیه چنین مداخله یا حملاتی برخوردار باشند،
- دولت های طرف این میثاق از حریمیت اطلاعات شخصی، صحی و توان بخشی اشخاص دارای معلولیت همسان با دیگران حمایت می نمایند.

ماده 23- احترام به خانه و خانواده

1. دولت های طرف این میثاق اقدامات مؤثر و مناسبی را به منظور رفع تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت در کلیه امور مربوط به ازدواج، خانواده، والدین و روابط همسان با دیگران روی دست می گیرند و تضمین می نمایند که:
الف. حق اشخاص دارای معلولیت واجد سن ازدواج برای ازدواج و تشکیل خانواده بر پایه رضایت آزادانه و کامل دوطرف ازدواج تضمین می گردد،

ب. حقوق اشخاص دارای معلولیت به تصمیم آزادانه و مسؤولانه درباره داشتن تعداد کودکان و فاصله تولدات و داشتن دسترسی به اطلاعات مناسب سن شان و آموزش های باروری و تنظیم خانواده شناسایی می شود و وسائل لازم برای توانمند کردن آنها به منظور اعمال این حقوق تهیه می گردد،

پ. اشخاص دارای معلولیت، به شمول کودکان، باروری (توانایی تولید مثل) خود را به صورت برابر با دیگران حفظ می کنند،

2. دولت های طرف این میثاق، حقوق و وظایف اشخاص دارای معلولیت را در زمینه های سرپرستی، قیمومت، فرزندگیری کودکان یا رویه های مشابه در حالتی که این استثناها در قوانین ملی موجود باشد، تأمین می نمایند؛ در کلیه موارد، منافع علیای کودک اولویت دارد. دولت های طرف این میثاق، مساعدت های مناسبی را به اشخاص دارای معلولیت در اجرای وظایف آنها در مورد پرورش کودکان شان فراهم خواهند کرد،

3. دولت های طرف این میثاق تضمین می نمایند که کودکان دارای معلولیت دارای حقوق برابر در رابطه به زندگی خانوادگی هستند. به منظور تحقق این حقوق و جلوگیری از کتمان، ترک، غفلت و تفکیک کودکان دارای معلولیت، دولت های طرف این میثاق تعهد می نمایند تا اطلاعات، خدمات و حمایت های اولیه و جامعی را برای کودکان دارای معلولیت و خانواده های آنها ارائه دهند،

4. دولت های طرف این میثاق اطمینان می دهند که کودک خلاف میل خود از والدین خود جدا نمی شود، مگر این که مراجع صالح مبنی به رویه بازنگری قضایی و مطابق با قوانین و طرز العمل های قابل اجرا تصمیم بگیرند که چنین جدایی برای منافع علیای کودک ضروری است. در هیچ صورتی، کودک از والدین خود بر اساس معلولیت کودک یا معلولیت مادر و پدر یا معلولیت هر دو آنها جدا ساخته نمی شوند،

5. دولت های طرف این میثاق تعهد می کنند تا تمام مساعی شان را در صورتی که خانواده اولی در مراقبت از یک کودک معلول کوتاهی کنند، به منظور فراهم آوری

مواظبت جایگزین در میان اقارب آن کودک و در غیر آن صورت، در یک محیط خانوادگی دیگر در جامعه، به کار گیرند.

ماده 24-تعلیم و تربیت

1. دولت های طرف این میثاق حق اشخاص دارای معلولیت را در زمینه تعلیم تصدیق می کنند. به منظور تحقق این حق، بدون تبعیض و بر اساس فرصت برابر، دولت های مذکور یک نظام آموزشی فراگیر را در کلیه سطوح یادگیری در جریان زندگی، به منظور نیل به موارد ذیل روی دست می گیرند:

الف. رشد کامل استعداد های انسانی و احساس کرامت و خود ارزشی و تقویت احترام به حقوق بشر، آزادی های اساسی و تنوع انسانی،

ب. رشد شخصیت، توانایی ها، خلاقیت و توانمندی های جسمانی و روانی اشخاص دارای معلولیت تا بالاترین حد ممکن مطابق توان و ظرفیت شان،
پ. توانمند کردن اشخاص دارای معلولیت برای مشارکت مؤثر در یک جامعه آزاد.

2. در تحقق این حق، دولت های طرف این میثاق تضمین می نمایند که:

الف. اشخاص دارای معلولیت از نظام آموزش عمومی بر اساس معلولیت محروم نشوند و کودکان دارای معلولیت از آموزش اساسی (صنف 9.1) آزاد و اجباری یا آموزش ثانوی بر اساس معلولیت محروم نگردند،

ب. اشخاص دارای معلولیت بتوانند به آموزش های ابتدایی و متوسط فراگیر، با کیفیت و آزاد به صورت برابر با دیگران در جامعه ای که خود شان در آن زندگی می نمایند دسترسی داشته باشند،

پ. زمینه سازی موجه مورد نیازهای فردی اشخاص دارای معلولیت را میسر می سازند،

ت. معلولان حمایت لازم را در نظام آموزش عمومی به منظور تسهیل آموزش مؤثر شان دریافت کنند،

ث. تدابیر حمایتی فردی مؤثر در محیط‌ها فراهم شود تا رشد علمی و اجتماعی آنها در جهت تحقق هدف شمولیت کامل شان به حداکثر برسد.

3. دولت‌های طرف این میثاق اشخاص دارای معلولیت را به منظور یادگرفتن مهارت‌های کارآمد زندگی و توسعه اجتماعی توانمند می‌سازند تا زمینه مشارکت کامل و برابر آنها به عنوان اعضای جامعه، در تعلیم فراهم گردد. بدین منظور، دولت‌های طرف این میثاق تدابیر مناسب از جمله اقدامات زیر را روی دست می‌گیرند:

الف. تسهیل یادگیری زبان بریل، رسم الخط جایگزین، شیوه‌های در حال تکامل و جایگزین، استفاده وسائل، شکل‌های ارتباط و نگرش و مهارت‌های تحرک و تسهیل در زمینه همکاری متقابل (مثلاً همکاری یک معلول با معلول دیگر) و یاددهی برای اشخاص دارای معلولیت،

ب. تسهیل یادگیری زبان اشاره‌ای و ترویج هویت زبانی جامعه ناشنویان،
پ. تأمین این‌که آموزش اشخاص دارای معلولیت خصوصاً اطفال نابینا و ناشنوا به مناسب‌ترین زبان و شیوه و وسایل ارتباطی برای فرد در محیط‌هایی صورت می‌گیرد که رشد علمی و اجتماعی را به حداکثر می‌رساند.

4. به منظور کمک به تأمین تحقق این حق، دولت‌های عضو تدابیر مناسبی را به خاطر استخدام معلمان به شمول معلمان دارای معلولیت که در زمینه زبان اشاره‌ای یا زبان بریل تخصص دارند، و آموزش متخصصان و کارمندان که در تمام سطوح آموزش فعال باشند، اتخاذ می‌نمایند. چنین آموزش‌هایی شامل آگاهی از معلولیت و استفاده از شیوه‌های اضافی و جایگزین مناسب، وسائل و شیوه‌های ارتباط‌گیری، فنون آموزشی و مواد برای حمایت از اشخاص دارای معلولیت می‌شود.

5. دولت‌های طرف این میثاق تضمین می‌نمایند که اشخاص دارای معلولیت قادرند تا به آموزش عالی عمومی، آموزش حرفه‌ای، آموزش بزرگ‌سالان و یادگیری در جریان زندگی بدون تبعیض و به صورت برابر با دیگران، دسترسی داشته باشند. بدین منظور، دولت‌های طرف میثاق اطمینان می‌دهند که زمینه‌های مناسب سازی موجه (Reasonable accommodation) برای اشخاص دارای معلولیت در نظر گرفته می‌شود.

ماده 25- صحت

دولت های طرف میثاق اطمینان می دهند که افراد دارای معلولیت از حق داشتن بالاترین سطح قابل دستیابی صحت را بدون تبعیض بر اساس معلولیت، برخوردار اند. دولت های طرف این میثاق کلیه اقدامات مناسب را به خاطر تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به خدمات صحتی از جمله خدمات صحتی مربوط بازتوانی که با رعایت جنسیت، روی دست می گیرد و به صورت مشخص، دولت های طرف این میثاق:

الف. مراقبت ها و برنامه های صحتی را به عین وسعت و کیفیت و به صورت رایگان یا ارزان همانطوری که برای دیگران مهیا می گردد، نیز فراهم می کنند که صحت جنسی و باروری و برنامه های صحت عامه را در بر می گیرد،

ب. خدمات صحتی مورد ضرورت اشخاص دارای معلولیت مخصوصاً به خاطر معلولیت های آنها از جمله شناسایی به موقع و اقدام مناسب و خدمات جهت جلوگیری از معلولیت های بیشتر در میان کودکان و بزرگ سالان را فراهم می سازند،

پ. این خدمات صحتی را تا حد امکان در نزدیکی محلات زیست اشخاص دارای معلولیت به شمول مناطق روستایی عرضه می نمایند،

ت. متخصصان صحتی را ملزم می کنند تا خدمات مراقبتی را برای اشخاص دارای معلولیت همسان با دیگران و بر اساس رضایت آزادانه و آگاهانه، افزایش آگاهی از حقوق بشر، کرامت، خودمختاری و نیازهای اشخاص دارای معلولیت از طریق آموزش و اعلام معیارهای اخلاقی برای دست اندرکاران مراقبت های صحتی عمومی و خصوصی، ارائه کنند،

ث. تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت را در فراهم سازی بیمه صحتی و بیمه حیات، در صورتی که قوانین ملی بیمه حیات را مجاز بدانند، ممنوع ساخته و این بیمه ها را به صورت عادلانه و موجه فراهم می نماید،

ج. از اعمال تبعیض آمیزی در اجرای مراقبت های صحتی یا خدمات صحتی یا تهیه غذا و مایعات بر اساس معلولیت، جلوگیری کنند.

ماده 26- توان بخشی

1. دولت های طرف این میثاق اقدامات مؤثر و مناسب از جمله حمایت توسط همتایان معلولان را به منظور توانمند کردن اشخاص دارای معلولیت برای دستیابی و حفظ بیشترین استقلال، توانایی کامل جسمانی، روانی، اجتماعی و حرفه ای و شمول و مشارکت کامل در همه جنبه های زندگی، روی دست می گیرد. بدین منظور، دولت های طرف این میثاق برنامه ها و خدمات جامع توان بخشی را به خصوص در زمینه های صحت، اشتغال و خدمات آموزشی و اجتماعی، سازماندهی، تحکیم و تعمیم می بخشد، و به طوری که این برنامه ها و خدمات:

الف. به زودترین فرصت ممکن شروع می شوند که بر اساس بررسی چند جانبه نیازها و توانایی های افراد استوار می باشند،

ب. از مشارکت و شمولیت در جامعه و در کلیه عرصه های اجتماعی حمایت می کنند که داوطلبانه بوده و برای اشخاص دارای معلولیت تا حد امکان در نزدیکی محلات زیست آنها به شمول مناطق روستایی، ارائه می گردد،

2. دولت های طرف این میثاق امر توسعه آموزش ابتدایی و دوام دار را برای کارمندان فعال در عرصه خدمات توان بخشی بهبود می بخشد،

3. دولت های طرف این میثاق میسر ساختن دانش و استفاده از وسائل و فن آوری های کمکی مخصوص اشخاص دارای معلولیت را تا جایی که به توان بخشی آنها مربوط شود، بهبود می بخشد.

ماده 27- کار و اشتغال

1. دولت های طرف این میثاق، حق کار را برای اشخاص دارای معلولیت به صورت برابر با دیگران تصدیق می نمایند؛ این حق شامل حق داشتن فرصت امرار معیشت توسط انجام کاری که آزادانه انتخاب شده یا در بازار کار قابل پذیرش است و محیط کاری را در بر می گیرد که برای اشخاص دارای معلولیت آزاد، فراگیر و قابل دسترس است. بر علاوه، دولت های طرف این میثاق تحقق حق کار را برای آنهایی که

در جریان اشتغال دچار معلولیت می شوند، و از راه های مختلف از جمله تصویب قوانین، حفظ نموده و بهبود می بخشند، که آن راه ها عبارت اند از:

الف. منع تبعیض بر اساس معلولیت در رابطه با کلیه امور مربوط به تمام اشکال اشتغال به شمول شرایط استخدام، به کارگماشتن و تداوم اشتغال، پیشرفت شغلی و شرایط کاری ایمن و صحتی،

ب. حمایت از اشخاص دارای معلولیت به صورت برابر با دیگران در ارتباط با شرایط کاری عادلانه و مساعد به شمول فرصت های برابر و دستمزد برابر برای انجام کارها با عین خصوصیات، شرایط کاری ایمن و صحتی به شمول حمایت در مقابل آزار و رفع شکایت ها،

پ. تأمین این که اشخاص دارای معلولیت قادراند تا حقوق کارگری خویش را در زمینه کار و پیوستن به اتحادیه صنفی را همسان با دیگران اعمال کنند،
ت. توانمند کردن اشخاص دارای معلولیت برای داشتن دسترسی مؤثر به برنامه های عمومی راهنمایی فنی و حرفه ای، خدمات کاریابی و آموزش های حرفه ای و دوام دار،

ث. بهبود فرصت های کاری و پیشرفت شغلی برای اشخاص دارای معلولیت در بازار کار به شمول دستیابی به مساعدت در جستجوی کار، دریافت کار، ادامه دادن به کار و بازگشت به وظیفه شغلی،

ج. ترویج فرصت ها برای خوداشتغالی، کارآفرینی و توسعه تعاونی ها و آغاز کسب و کار خودی،

چ. استخدام اشخاص دارای معلولیت در بخش خدمات عامه،

ح. ترویج استخدام اشخاص دارای معلولیت در بخش خصوصی از طریق اتخاذ تدابیر و سیاست های مناسب که شامل برنامه های امتیازدهی مثبت، مشوق ها و دیگر تدابیر می شود،

خ. تضمین اینکه شرایط سازگاری موجه در محل کار برای اشخاص دارای معلولیت در نظر گرفته می شود،

د. ترویج کسب تجارب کاری توسط اشخاص دارای معلولیت در بازار کار عمومی،

ذ. بهبود بخشی حرفه برنامه های توان بخشی و مسلکی، حفظ شغل و بازگشت به وظیفه برای اشخاص دارای معلولیت،

2. دولت های طرف این میثاق تضمین می نمایند تا اشخاص دارای معلولیت در بردگی یا غلامی نگهداشته نشوند و از آنها همسان با دیگران در برابر گماردن به کار اجباری حمایت شود.

ماده 28- سطح مناسب زندگی و حمایت اجتماعی

1. دولت های طرف این میثاق حق اشخاص دارای معلولیت به دسترسی به هنجارهای کافی زندگی برای خود و خانواده های شان را، مانند خوراک کافی، پوشاک، مسکن کافی و بهبود دوام دار شرایط معیشتی، تصدیق می دارد و گام های مناسبی را به منظور حفظ و گسترش تحقق این حق و بدون تبعیض بر اساس معلولیت، برمی دارند.

2. دولت های طرف این میثاق حق اشخاص دارای معلولیت به داشتن حمایت اجتماعی و برخورداری بدون تبعیض از این حق بر اساس معلولیت را تصدیق می نمایند و اقدامات مناسبی را به منظور حفظ و گسترش تحقق این حق به شمول تدابیر زیر را اتخاذ می نماید:

الف. تأمین دسترسی برابر اشخاص دارای معلولیت به خدمات تهیه آب پاک و تأمین دسترسی به خدمات مناسب و ارزان، وسائل و دیگر مساعدت های طرف ضرورت معلولیت،

ب. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به خصوص زنان و دختران دارای معلولیت و معلولان بزرگسال به برنامه های حمایت اجتماعی و برنامه های فقرزدایی،

پ. تأمین دسترسی آن عده از اشخاص دارای معلولیت و خانواده های آنها که در شرایط فقر تحت برنامه های مساعدتی دولت در رابطه به تأمین مصارف مربوط به معلولیت به شمول آموزش کافی، مشاوره، مساعدت مالی و استراحت، زندگی می نمایند،

- ت. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به برنامه های عمومی تهیه مسکن،
- ث. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به امتیازات و برنامه های بازنشستگی.

ماده 29- مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی

دولت های طرف این میثاق حقوق سیاسی و فرصت برخورداری از این حقوق را برای اشخاص دارای معلولیت به صورت برابر با دیگران تضمین و تعهد می نمایند:

الف. تضمین می نمایند که اشخاص دارای معلولیت بتوانند به صورت مؤثر و کامل در زندگی سیاسی و عمومی به صورت برابر با دیگران به طور مستقیم یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب نموده اند، اشتراک کنند، که حق و فرصت اشخاص دارای معلولیت در زمینه انتخاب کردن و انتخاب شدن را در بر می گیرد و شامل موارد ذیل می گردد:

اول. تضمین این که مواد، تأسیسات و طرز العمل های رأی گیری، مناسب و قابل دسترس است و درک و استفاده از آنها آسان می باشد،

دوم. حمایت از حق اشخاص دارای معلولیت به رأی دادن به صورت مخفی در انتخابات و همه پرسی های عمومی بدون ارعاب و نامزدی در انتخابات، تصدی مؤثرانه مقام های رسمی، اجرای وظایف عمومی در کلیه سطوح حکومت و تسهیل استفاده از فن آوری های کمکی و نودر صورتی که مناسب باشد،

سوم. تضمین ابراز آزادانه اراده اشخاص دارای معلولیت به عنوان انتخاب کنندگان و بدین منظور، در صورت لزوم و به درخواست آنها، اجازه دادن به آنها تا از مساعدت یک فرد مورد انتخاب خود در رأی دهی برخوردار باشند.

ب. بهبود فعالیت ها، جهت مساعد ساختن محیطی که در آن اشخاص دارای معلولیت بتوانند به صورت مؤثر و کامل در اداره امور عمومی بدون تبعیض و به طور

برابر با دیگران سهم بگیرند و تشویق مشارکت آنها در امور عمومی به شمول موارد زیر:

1. مشارکت در سازمان های غیرحکومتی وانجمن های مربوط به زندگی سیاسی و عمومی کشور و در فعالیت ها و اداره احزاب سیاسی ،
2. پیوستن به سازمان های اشخاص دارای معلولیت و تشکیل آن ها به منظور نمایندگی از اشخاص دارای معلولیت در سطوح بین المللی ، ملی ، منطقه ای و محلی .

ماده 30- مشارکت در زندگی فرهنگی ، تفریح ، فراغت و ورزش

1. دولت های طرف این میثاق حق اشخاص دارای معلولیت به سهم گیری در زندگی فرهنگی را همسان با دیگران تصدیق می نمایند و کلیه اقدامات مناسب را به منظور تضمین موارد زیر اتخاذ خواهند کرد:

الف. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به مواد فرهنگی در اشکال های قابل دسترس ،

ب. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به برنامه های تلویزیونی ، فلم ها ، تئاتر و دیگر فعالیت های فرهنگی در شکل های قابل دسترس ،

پ. تأمین دسترسی اشخاص دارای معلولیت به مکان های خدمات فرهنگی نظیر تئاترها ، موزیم ها ، سینماها ، کتابخانه ها و خدمات جهانگردی و تا حد امکان ، تأمین دسترسی آنها به بازدید از آبدات تاریخی و اماکن دارای اهمیت فرهنگی ملی .

2. دولت های طرف این میثاق تدابیر مناسبی را به منظور توانمند کردن اشخاص دارای معلولیت در جهت داشتن فرصت توسعه و استفاده از استعداد های خلاق ، هنری و فکری آنها نه تنها به نفع خود بلکه برای غنی سازی جامعه ، اتخاذ می نماید .

3. دولت های طرف این میثاق ، کلیه گام های مناسب را مطابق با قوانین بین المللی به منظور تأمین این که قوانین حمایت از حقوق مالکیت معنوی شامل موانع

غیرمعقول و تبعیض آمیز در زمینه دسترسی اشخاص دارای معلولیت به مواد فرهنگی نمی شود، برمی دارد.

4. اشخاص دارای معلولیت، به صورت برابر با دیگران، مستحق شناسایی و حمایت از هویت فرهنگی و زبانی مخصوص آنها به شمول زبان های اشاره ای و فرهنگ ناشنوایی می باشند.

5. به منظور توانمند کردن برای اشتراک در فعالیت های تفریحی، فراغتی و ورزشی همسان با دیگران، دولت های طرف این میثاق تدابیر مناسبی را اتخاذ می نمایند:

الف. تشویق و بهبود مشارکت حداکثری اشخاص دارای معلولیت در فعالیت های ورزشی فراگیر در کلیه سطوح،

ب. تأمین این که اشخاص دارای معلولیت از فرصت تنظیم، توسعه و مشارکت در فعالیت های تفریحی و ورزشی مخصوص معلولیت برخوردار می باشند و بدین منظور، فراهم آوری زمینه تمرین های ورزشی، آموزش ها و منابع تمویل مناسب و همسان با دیگران تشویق گردد،

پ. تضمین اینکه اشخاص دارای معلولیت به امکان جهانگردی، تفریحی و ورزشی دسترسی دارند،

ت. تضمین اینکه کودکان دارای معلولیت همسان با دیگر کودکان از مشارکت در فعالیت های ورزشی، فراغتی و تفریحی به شمول فعالیت های موجود در نظام آموزشی بهرمندهستند،

ث. تضمین اینکه افراد دارای معلولیت به خدمات دست اندرکاران تنظیم فعالیت های ورزشی، فراغتی، جهان گردی و تفریحی، دسترسی دارند.

ماده 31- آمار و جمع آوری داده ها

1. دولت های طرف میثاق تعهد می کنند تا اطلاعات مناسب به شمول داده های آماری و تحقیقی را به منظور توانمند کردن آنها جهت طرح و تطبیق سیاست های اجرایی میثاق حاضر، جمع آوری کنند. در روند جمع آوری و نگهداری این اطلاعات:

الف. مطابق به حفاظت های قانونی به شمول قانون حمایت از معلومات های داده شده به منظور تأمین اصل محرمیت و احترام به حریم اشخاص دارای معلولیت رعایت می گردد،

ب. موازین پذیرفته شده بین المللی به منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی و اصول اخلاقی در گردآوری و استفاده از آمارها رعایت می گردد.

2. معلومات جمع آوری شده بر طبق این ماده به صورت مناسب تفکیک خواهد شد و از آن به منظور کمک به ارزیابی اجرای مکلفیت دولت های طرف این میثاق بر اساس کنوانسیون حاضر و شناسایی و رسیدگی به موانعی که اشخاص دارای معلولیت در اعمال حقوق خود با آنها روبه رواند، استفاده می گردد.

3. دولت های طرف این میثاق، مسؤولیت انتشار این ارقام آماری را بر عهده می گیرد و قابلیت دسترسی اشخاص دارای معلولیت و سایرین را به آن تضمین می نماید.

ماده 32- همکاری بین المللی

1. دولت های طرف این میثاق اهمیت همکاری بین المللی و بهبود آن را در حمایت از مساعی ملی برای تحقق مقصود و اهداف کنوانسیون حاضر تصدیق می کنند و تدابیر مؤثر و مناسبی را در این عرصه در داخل دولت ها و میان دولت ها و با مشارکت سازمان های منطقه ای و بین المللی مربوط و جامعه مدنی به خصوص سازمان های مربوط اشخاص دارای معلولیت، اتخاذ می نمایند. این تدابیر موارد ذیل را دربر می گیرد:

الف. تضمین این که همکاری بین المللی به شمول برنامه های توسعه بین المللی، شمولیت اشخاص دارای معلولیت را در نظر می گیرد و برای آنها قابل دسترس است،

ب. تسهیل و حمایت از ظرفیت سازی از طریق معاوضه و تشریک معلومات، تجربیات، برنامه های آموزشی و بهترین رویه ها،

ت. تسهیل همکاری در زمینه تحقیق و دسترسی به دانش علمی و فنی،

ث. تهیه مساعدت فنی و اقتصادی از طریق تسهیل دسترسی به فن آوری های کمکی و قابل دسترس و تشریک و انتقال این فن آوری ها.
2 مفاد این ماده بر مکلفیت های دولت های طرف این میثاق بر اساس کنوانسیون حاضر بی تأثیر است.

ماده 33- اجرا و نظارت ملی

1. دولت های طرف این میثاق، مطابق به نظام تشکیلاتی شان، یک یا بیشتر از یک شخص رابط را، در امور مربوط به اجرای میثاق حاضر تعیین می نمایند و ایجاد یا تعیین یک سازوکار هماهنگی در داخل حکومت را به منظور تسهیل اجرای تدابیر در بخش ها و سطوح مختلف مورد ملاحظه قرار می دهند.
2. دولت های طرف این میثاق، مطابق با نظام های قانونی و اداری خود، یک چهارچوب مناسب متشکل از یک یا بیشتر از یک سازوکار را به منظور بهبود، حمایت و نظارت بر اجرای میثاق حاضر حفظ، تحکیم، تعیین یا ایجاد می نمایند. در هنگام تعیین یا ایجاد چنین سازوکاری، دولت های عضو اصول مربوط به وضعیت و وظایف نهادهای ملی بهبود و حمایت از حقوق بشر را مد نظر قرار می دهند.
3. جامعه مدنی به خصوص اشخاص دارای معلولیت و سازمان های نماینده آنها کاملاً در روند نظارت مشارکت می نمایند.

(ماده 34 تا 50 مسایل نظارت بین المللی بر اجرای این میثاق، گزارش های دولتها، رابطه بین دولت ها و کمیته نظارت، و سایر مسایل مانند امضای میثاق، تاریخ انفاذ آن، زبان و امانت داری اصل مسوده تصویب شده را احتوای نماید.)

ماده 34- در مورد تشکیل کمیته میثاق حقوق اشخاص دارای معلولیت.

ماده 35- نحوه و تعداد گزارش های دولت های طرف میثاق (بار اول دو سال بعد از امضا و تصویب و بعداً هر چهار سال بعد)

ماده 36- ملاحظه گزارش ها توسط کمیته میثاق؛

ماده 37- همکاری بین دولت های طرف میثاق و کمیته؛

- ماده 38- رابطه کمیته با دیگر نهادها؛
- ماده 39- گزارش کمیته میثاق (هر دو سال، یک بار)
- ماده 40- کنفرانس دولت های طرف میثاق (شش ماه بعد از انفاذ میثاق و بعد هر دو سال، یک بار)
- ماده 41- امانت دار میثاق؛
- ماده 42- تاریخ به دسترس قرار دادن میثاق، برای امضا توسط دول عضو ملل متحد؛
- ماده 43- رضایت برای پایبندی (دولت های امضاکننده و سازمان های وحدت منطقی)
- ماده 44- نقش سازمان های وحدت منطقه ای؛
- ماده 45- تاریخ انفاذ میثاق؛
- ماده 46- ملاحظات توسط دولت ها؛
- ماده 47- تعدیلات؛
- ماده 48- کناره گیری از میثاق (یک سال بعد از تاریخ اطلاع)
- ماده 49- شکل قابل دسترس؛
- ماده 50- اعتبار حقوق میثاق به زبان های رسمی ملل متحد.